

## پاسخنامه مدارس شهرستان

پایه :	۵	موضوع :	فقه ۳
تاریخ :	۹۱/۰۶/۱۱	ساعت :	۱۸

نام کتاب: شرح لمعه، کتاب المتاجر از ابتداء تا اجاره

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سؤال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه به سؤال آخر نمره داده نمی‌شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

## سؤالات تستی:

۱. لو اختلف البایع و المشتري فی تعیین المبیع .... (نظر مصنف ره)
- ج ۳۴۲/۲
- أ. يحلف البائع و صحّ البيع
- ب. يحلف المشتري و صحّ البيع
- ج. يتحالفان و يبطل العقد من حين التحالف
- د. يتحالفان و يبطل العقد من اصله
- \* و لو باع المعدود وزناً صحّ... .
۲. علت حکم به صحت چیست؟
- ب ۲۰۸/۲
- أ. لوجود النصّ فی المسئلة
- ب. لارتفاع الجهالة به
- ج. لحصول التراضي من الطرفين
- د. لرفع العسر و الحرج
- \* أن يخبر بالثمن و يبيع معه برأس المال.
- ب ۲۹۴/۲
۳. عبارت فوق تعریف کدام یک از اقسام بیع است؟
- أ. مساومة
- ب. تولیة
- ج. مرايحة
- د. مواضعة
۴. کدام گزینه غلط است؟
- د ۲۷۷/۲
- أ. كل ما لا يضبط وصفه يمتنع السلم فيه
- ب. يجوز السلم فی الحبوب و الفواكه
- ج. يشترط فی السلف ذكر الجنس و الوصف الراجع للجهالة
- د. شرط الاجود و الأردأ فی السلف جایز

## سؤالات تشریحی:

- \* شرط الرهن أن يكون عيناً مملوكةً يمكن قبضها و يصحّ بيعها.
- ۳۷۵/۲
۱. قیود و شرایط مشخص شده، برای احتراز از چه مواردی است؟
۱. قید «عيناً» برای احتراز از دین و منفعت می‌باشد ۲. قید «مملوكة» برای احتراز از غیر مملوک می‌باشد مثل خمر و حرّ ۳. قید «يمكن قبضها» برای احتراز از طیر در هوا می‌باشد مثلاً ۴. قید «يصحّ بيعها» برای احتراز از رهن مثل ارض مفتوحة عنوة و رهن وقف می‌باشد که بیع این‌ها صحیح نیست.
۲. عاریه در چه مواردی مضمون و در چه مواردی غیر مضمون است؟
- ۴۹۱/۲
- عاریه در طلا و نقره بدون شرط عدم ضمان و در غیر آن دو بشرط ضمان مضمون می‌باشد و در سایر موارد غیر مضمون است مگر در صورت تعدی یا تفریط.

\* و اجازة المالك كاشفة عن صحّة العقد من حين وقوعه لا ناقله له من حينها؛ لأنّ السبب الناقل للملك هو العقد المشروط بشرائطه، و كلّها كانت حاصلة ألاً رضا المالك، فإذا حصل الشرط عمل السبب التام عمله، لعموم أوفوا بالعقود، فلو توقف العقد على أمر آخر لزم أن لا يكون الوفاء بالعقد خاصة بل هو مع الآخر.

۱۸۸/۲

۳. معنای کاشفه بودن و ناقله بودن اجازه را بیان نموده، دلیل کاشفه بودن را توضیح دهید.

کاشفه: یعنی کشف می‌کند که عقد از زمان وقوعش صحیح بوده و ناقله یعنی موجب حصول انتقال مال از زمان خودش (اجازه) می‌شود

دلیل کشف: به مقتضای «أوفوا بالعقود» عقد سبب تام برای حصول اثر و وجوب وفاست و اجازه تاثیری در آن ندارد. دلیل نقل: تأثیر عقد موقوف بر اجازه است، پس مثل جزء سبب می‌شود در اینکه اثر قبل از آن حاصل نمی‌شود.

۴. «إقالة» در حق متعاقدين و شريك، بيع است یا فسخ؟ اقوال، در مسئله و یک ثمره نزاع را بنویسید. ۳۴۵/۲

قول اول: فسخ است هم در حق متعاقدين و هم در حق شريك. قول دوم: در حق متعاقدين بيع است. قول سوم: فقط در حق شريك بيع است.

ثمره: بنا بر اینکه فسخ باشد شريك، حق شفعه ندارد بر خلاف اینکه بيع باشد.

ثمره: و لا تسقط اجرة الدلال بالإقالة.

\* السابعة: يدخل النماء المتجدد في الرهن على الأقرب؛ لأن من شأن النماء تبعية الأصل، إلا مع شرط عدم الدخول ... و قيل: لا يدخل بدونه؛ للأصل. و التبعية في الملك لا في مطلق الحكم. ۳۹۱/۲

۵. أ. مراد از «اصل» را در هر دو مورد بنویسید. ب. عبارت «و التبعية في الملك ...» را توضیح دهید.

أ. مراد از اصل در «تبعية الأصل» همان مالی است که رهن گذاشته شده. مراد از اصل در «لأصل» اصالة عدم دخول نماء است در رهن. ب. عبارت «و التبعية في الملك» اشاره دارد به جواب از کسانی که قائل هستند به این که شأن نماء تبعیت از اصل مال است. می‌فرماید: تبعیت در ملک است نه در مطلق حکم یعنی چطور رهن ملک راهن است نماء هم ملک راهن است نه این که رهن هر حکمی دارد نماء هم آن حکم را دارد مثلاً رهن در اختیار مرتهن است باید نماء هم در اختیار او باشد نه این طور نیست.

\* إنما يحجر على المديون إذا قصرت أمواله عن ديونه و طلب الغرماء الحجر بشرط حلول الدين. ۳۶۲/۲

۶. أ. مقصود از «حجر» چیست؟ ب. دو مورد از مواردی را بنویسید که حکم به حجر مديون نمی‌شود.

أ. حجر یعنی ممنوع شدن مديون از تصرف در اموالش ب. ۴ مورد: ۱. اموال مديون مساوی با ديونش باشد ۲. اموال مديون بیشتر از ديون باشد ۳. غرماء از حاکم حجر مديون را طلب نکنند ۴. اجل ديون حلول نکند.

\* و لا يسق [خيار التأخير] بمطالبة البائع بالثمن بعد الثلاثة و إن كا قرينة الرضا بالعقد، و لو بذل المشتري الثمن بعدها قبل الفسخ فقی سقوط الخيار وجهان منشؤهما الإستصحاب و زوال الضرر. ۳۰۶/۲

۷. فرع «لو بذل المشتري ...» را توضیح داده، وجه سقوط و عدم سقوط خيار در آن را بیان نمایید.

اگر مشتری بعد از سه روز ثمن را پرداخت کند در سقوط خيار دو وجه است: ۱. سقوط به دلیل زوال ضرر که منشأ خيار بود ۲. عدم سقوط به دلیل استصحاب خيار که قبل از بذل ثمن ثابت بود.

۸. «شركة الاعمال» را تعریف کرده، فرق آن را با «شركة العنان» به همراه حکم آن دو بیان کنید. ۴۵۴/۲

شركة الاعمال: أن يتعاقدا على أن يعمل كل منهما بنفسه و يشتركا في الحاصل و لكن شركة العنان أن يشتركا في المال و يتجرا به فيشتركان في الربح و الخسران. و این شرکت صحیح است به خلاف شركة الاعمال.

۹. «عقد مضاربه» را تعریف کنید. آیا این عقد - از طرف عامل یا صاحب مال - لازم است یا جایز؟ ۴۶۳/۲

عقد مضاربه این است که مالک سرمایه، مالی را به غیر خودش بدهد تا آن غیر تجارت کند و از سود تجارت حصه معینی را در مقابل عمل بر دارد البته این عقد از عقود جایزه است یعنی می‌شود هر وقت فسخ شود و از هر دو طرف جایز است و چون عقد جایز است پس هر لفظی هم در عقد کافیسست با دلالت لفظ بر مضاربه.